



بررسی و نقد کتاب چشم انداز علم سیاست

(جلد اول: در باب روش)

محمود غلامی^۱، فاطمه معزز^۲

چکیده

نویسنده در بخش اول مجموعه مقالاتی که به صورت کتاب تجميع شده است تلاش می کند حقانیت روش خاصی از قرائت و تفسیر متون تاریخی را اثبات نماید. او سعی داشته تا از روش های مرسوم پژوهش تاریخی استفاده کند تا به مفهوم های مورد نظر آن اندیشمندان پی ببرد. مبنای کار اسکینر برپایه این است که برای درک بهتر لحظه و زمان نگارش مولف، تاریخ اندیشه دقیقاً باید تاریخی نوشته و متون از درون و دل بافت فکری و گفتمانی ای خارج شود. شاید بتوان گفت تأکید نویسنده بر این است که به تمایزات و اعتقادات توجه بیشتری کند. هریک از فصول کتاب به منزله ی نوشته هایی برای تبیین و اثبات یک عقیده خاص درباره شیوه های خواندن و تفسیر متون تاریخی ارائه شده است. نویسنده اهمیت تفسیر در نظریه سیاسی را برجسته می کند. او تأکید می کند که فهم متون سیاسی نیازمند تفسیر و زمینه سازی دقیق است، زیرا معنای این متون را می توان بر اساس نیت نویسندگان و شرایط تاریخی که در آن نوشته شده اند، شکل داد. به طور کلی، «درباره روش» اسکینر محققان را تشویق می کند که به نظریه سیاسی با درک دقیقی از بافت تاریخی و مفاهیم انتزاعی نزدیک شوند. با آمیختن این رویکردها و درگیر شدن در تفسیر متفکرانه، محققان می توانند درک عمیق تری از ایده های سیاسی و اهمیت آنها به دست آورند.

در این پژوهش تلاش شده است ضمن بررسی محتوای فصول، نقدی شکلی و محتوایی نیز به آن داشته باشیم.

واژه های کلیدی: سیاست، تاریخ، اندیشه سیاسی، روش، تفسیر

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه تهران (gholami.mahmood@ut.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری روانشناسی (fateme.moazez@gmail.com)



مقدمه

۱. معرفی نویسنده و زمینه های فکری

کوئنتین رابرت دانی اسکینر (متولد ۲۶ نوامبر ۱۹۴۰، اولدهام، لانکاشایر) یک مورخ اندیشه است. او یکی از بنیانگذاران مکتب کمبریج در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی است و در میانه سال های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۸ او استاد رجویوس (استاد دارای کرسی سلطنتی) تاریخ در دانشگاه کمبریج بوده است. او در حال حاضر صاحب کرسی باربر بیمونت در علوم انسانی و مدیرعامل مرکز مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی در دانشگاه کوئین مری لندن است. در اسکینر یک مدیر استعماری و مادرش معلم سابق مدرسه بود. اسکینر در در دانشگاه کمبریج تاریخ تحصیل کرد و در سال ۱۹۶۲ مدرک لیسانس گرفت و در سال ۱۹۶۵ مدرک فوق لیسانس گرفت. او از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۴ به عنوان دستیار مدرس و مدرس تاریخ در کمبریج خدمت کرد و از سال ۱۹۶۲ تا ۲۰۰۸ عضو کالج کریستس بود. اسکینر به عنوان استاد نظریه اجتماعی و سیاسی و بعداً به عنوان استاد تاریخ مدرن (۱۹۹۶-۲۰۰۸) تدریس خود را در کمبریج از سر گرفت. در سال ۲۰۰۸ او به عنوان استاد مشغول شد.

کار بزرگ اسکینر، مبانی اندیشه سیاسی مدرن (۱۹۷۸)، به عنوان یک اثر کلاسیک از تاریخ فکری تلقی می شود، به همان اندازه که به دلیل کمک به روش شناسی تاریخ نگاری به دلیل پرداخت ظریف به موضوع، تأثیر متقابل اندیشه و عمل سیاسی در دوران اروپایی رنسانس و اصلاحات. اسکینر بر اهمیت قرار دادن متون در فضای تاریخی آنها تأکید کرد و بنابراین از روش سنتی در نظریه سیاسی که شامل ردیابی پیشرفت متون کلاسیک و بررسی هر اثر در ارتباط با قانون اندیشه سیاسی غرب بود، فاصله گرفت. رویکرد زمینه ای اسکینر که او با جان جی ای پوکاک، جان دان و دیگران مشترک بود، به عنوان مکتب تاریخ فکری کمبریج شناخته شد. اسکینر ابتدا با معرفی نویسندگان کمتر شناخته شده و اسناد جزئی مانند نامه ها و جزوه ها، موضوع تاریخ فکری را فراتر از قانون اساسی گسترش داد. او با استناد به نظریه کنش گفتاری فیلسوف بریتانیایی جی به عنوان یک کنش گفتاری، معنای سند به طور جدایی ناپذیری با بافت تاریخی آن مرتبط است؛ بنابراین، مورخ برای کشف معنای غیرکلامی یک سند سیاسی، باید تحلیل را فراتر از خود سند بیاورد و مواردی مانند بحثی که در آن مشارکت داشت، نویسندگانی که به آنها پاسخ می داد و آداب یا قراردادهایی که از آن حمایت می کرد یا چالش برانگیز بود را در نظر گرفت. اسکینر به ویژه به کارکرد ایدئولوژیک ایده های سیاسی، یا ظرفیت آن ها برای مشروعیت بخشیدن به ساختارهای اجتماعی خاص، توجه داشت، در نتیجه کنش انسان را قادر می سازد یا محدود می کند.

رویکرد اسکینر در قدردانی از زندگی سیاسی نیز متمایز بود. او اسناد سیاسی را به منظور تحقیق در قلمرو اولیه تر واقعیت اجتماعی (مثلاً پویایی طبقه اجتماعی) یا به عنوان ورودی بحث های فلسفی مطالعه نکرد. در عوض، او سیاست را به عنوان یک حوزه مهم و متمایز از واقعیت بشری می دانست. در حالی که سایر نظریه پردازان تمایل داشتند تا در مورد اصول هنجاری و کاربرد و تأثیر آنها در قلمرو سیاست تأمل کنند، اسکینر تحقیق خود را با خود تفکر سیاسی آغاز کرد. با انجام این کار، کار او تقدم سنتی اصول بر عمل را لغو کرد. او متفکران سیاسی را به عنوان عوامل اصیل تاریخ مطالعه کرد و نه به عنوان سخنرانان صرف در تاریخ اندیشه ها. این رویکرد باعث شد برخی از محققان، مانند کاری پالون، پیشنهاد کنند که «انقلاب اسکینر» در تاریخ فکری نه آنقدر در روش شناسی آن که در بازسازی فعالیت های سیاسی انجام می شود (Munro: 2018).



۲. بررسی محتوای کتاب

۲-۱ دیدن امور آن گونه که هستند

به عقیده اسکینر، دیدن چیزها آنگونه که هستند، مستلزم بررسی انتقادی متون سیاسی و درگیری عمیق با لحظه تاریخی آنهاست. او خواننده را تشویق می کند که به زبان، مفاهیم و مفروضات اساسی موجود در ایده های سیاسی توجه کند. او تأکید دارد با بررسی زمینه و تحلیل متن می توان به درک دقیق تری از معنای مورد نظر آن دست یافت. او استدلال می کند که ایده دیدن چیزها آنطور که هستند یک افسانه است و درک ما از واقعیت همیشه با واسطه زبان و مفاهیمی است که برای درک جهان از آنها استفاده می کنیم. روش تحقیق تاریخی اسکینر بر این ایده استوار است که معنای متن بر اساس زمینه ای که در آن نوشته شده است تعیین می شود و می توان با تحلیل زبان به کار رفته در متن، زمینه را بازسازی کرد. کار اسکینر در زمینه تئوری سیاسی تأثیرگذار بوده و به شکل گیری روشی که مورخان و نظریه پردازان سیاسی به مطالعه ایده های سیاسی می پردازند کمک کرده است. به طور خلاصه، رویکرد اسکینر برای درک ایده های سیاسی بر اهمیت زمینه تاریخی و نیاز به بررسی دقیق متون برای دیدن چیزها به گونه ای که قرار بود دیده شوند، تأکید می کند. با در نظر گرفتن شرایط خاص تاریخی و درگیر شدن با زبان و مفاهیم مورد استفاده، می توان درک دقیق تری از ایده های سیاسی ایجاد کرد (اسکینر، ۲۰۰۲: ۱۹-۳۰).

۲-۲ کار تاریخی و کیش واقعیت

نویسنده در این فصل استدلال می کند که درک زمینه تاریخی برای درک جامع ایده ها و نظریه های سیاسی بسیار مهم است. اسکینر بر اهمیت مطالعه متون اولیه و درگیر شدن با نوشته های اصلی متفکران سیاسی گذشته تأکید می کند. با کاوش در توسعه تاریخی نظریه های سیاسی، می توانیم بینش هایی در مورد تحول ایده ها و تأثیرات فکری شکل دهنده آنها به دست آوریم. این رویکرد تاریخی به ما این امکان را می دهد که نسب اندیشه سیاسی را ردیابی کنیم و بفهمیم که نظریه ها در طول زمان چگونه توسعه یافته اند. علاوه بر این، اسکینر اهمیت تفسیر متون سیاسی در زمینه تاریخی آنها را برجسته می کند. او خوانندگان را تشویق می کند که محیط اجتماعی، فرهنگی و فکری را که در آن ایده های سیاسی فرموله شده اند، در نظر بگیرند. با این کار می توانیم انگیزه ها، مقاصد و مفروضات اساسی متفکران سیاسی را بهتر درک کنیم. اسکینر مخالف تفاسیر نابهنگامی است که دیدگاه های امروزی را بر متفکران گذشته تحمیل می کند. در عوض، او از درک همدلانه بازیگران تاریخی و ایده های آنها با در نظر گرفتن شرایط تاریخی خاصی که در آن زندگی می کردند و می نوشتند، دفاع می کرد. هدف اسکینر با به کارگیری روش تحلیل تاریخی، تعمیق درک ما از نظریه سیاسی و ارائه تفسیر ظریف تری از ایده های سیاسی است. این رویکرد به ما اجازه می دهد تا از پیچیدگی و غنای سنت های فکری که در طول تاریخ اندیشه سیاسی را شکل داده است، قدردانی کنیم. به طور خلاصه، فصل دوم «چشم انداز سیاست: جلد اول» به بررسی روش تحلیل تاریخی در نظریه سیاسی می پردازد. با مطالعه متون اولیه و در نظر گرفتن زمینه تاریخی، به درک عمیق تری از تحول اندیشه های سیاسی و تأثیرات فکری که آنها را شکل داده است، می رسیم (همان: ۳۰-۶۰).



۲-۳ تفسیر، عقلانیت و حقیقت

در فصل سوم، اسکینر استدلال می کند که تفاسیر متون سیاسی باید با هدف کشف مقاصد و معانی پشت کلمات مورد استفاده متفکران سیاسی باشد. او بر اهمیت درک بافت تاریخی، قراردادهای زبانی و چارچوب‌های مفهومی که آن ایده‌ها در آن بیان شده‌اند، تأکید می‌کند. در مورد حقیقت، اسکینر موضعی انتقادی نسبت به این ایده اتخاذ می کند که حقیقتی ثابت و جهانی در نظریه سیاسی وجود دارد. در عوض، او اهمیت شناخت ماهیت احتمالی ایده‌های سیاسی و تنوع تفاسیری را که می‌توان از آنها استخراج کرد، برجسته می‌کند. به عقیده اسکینر، بر اساس دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف در فهم متون سیاسی، می‌توان تفاسیر گوناگونی پدید آمد.

رویکرد اسکینر به تفسیر و حقیقت اغلب شامل تجزیه و تحلیل زمینه زبانی و گفتمانی ایده‌های سیاسی، جستجوی ظرایف ظریف و احتمالات تاریخی است که معنای آنها را شکل می‌دهد. کار او محققان را تشویق می‌کند تا در بررسی عمیق متون و زمینه‌ها برای کشف معقولات و حقایق نهفته در آنها شرکت کنند. اسکینر به رویکرد زمینه‌ای به نظریه سیاسی می‌پردازد. او بر اهمیت درک زمینه اجتماعی، فرهنگی و فکری که در آن ایده‌های سیاسی فرموله می‌شوند، تأکید می‌کند. با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی گسترده‌تری که بر اندیشه سیاسی تأثیر می‌گذارند، می‌توانیم انگیزه‌ها و مقاصد پشت نظریه‌های مختلف را بهتر درک کنیم. اسکینر خوانندگان را تشویق می‌کند تا زمینه‌ای را که نظریه‌های سیاسی در آن به وجود می‌آیند تحلیل انتقادی کنند و از تحمیل دیدگاه‌های امروزی بر متفکران گذشته اجتناب کنند. در طول این فصل‌ها، اسکینر تخصص خود را در تاریخ اندیشه سیاسی نشان می‌دهد. او به طرز ماهرانه‌ای تحلیل تاریخی و بینش‌های فلسفی را ادغام می‌کند و به خوانندگان درک عمیق‌تری از رویکردهای روش‌شناختی مورد استفاده در نظریه سیاسی ارائه می‌دهد. اسکینر با خلاصه کردن رویکردهای تاریخی و زمینه‌ای، پایه محکمی برای کاوش بیشتر در روش‌شناسی سیاسی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. این فصل‌ها به‌عنوان سکوی پرشی برای درک اینکه چگونه دیدگاه‌ها و زمینه‌های مختلف نظریه‌های سیاسی را شکل می‌دهند و به گفتمان جاری در این زمینه کمک می‌کنند، عمل می‌کنند (صص ۱۱۰-۱۶۰).

۲-۴ معنا و فهم در اندیشه سیاسی

نویسنده به طور گسترده به مباحث معنا و فهم در تاریخ ایده‌ها پرداخته است. اسکینر استدلال می‌کند که درک معنای ایده‌ها مستلزم بررسی دقیق متون در زمینه‌های تاریخی و زبانی آنهاست. او بر اهمیت بازسازی نیت نویسندگان و چارچوب‌های مفهومی که تفکر آنها را شکل داده است، تأکید می‌کند. اسکینر همچنین نقش زبان را در تفسیر ایده‌ها برجسته می‌کند و از محققان می‌خواهد که به کلمات، عبارات و ابزارهای بلاغی خاص مورد استفاده متفکران سیاسی توجه کنند. او پیشنهاد می‌کند که معنا ثابت یا جهانی نیست، بلکه در زبان و گفتمان‌های یک لحظه تاریخی خاص گنجانده شده است. علاوه بر این، اسکینر ایده تفسیرهای نابهنگام را که معانی مدرن را بر متون تاریخی تحمیل می‌کند، نقد می‌کند. او محققان را تشویق می‌کند تا با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن ایده‌ها صورت‌بندی شده‌اند، رویکردی زمینه‌ای اتخاذ کنند. به طور خلاصه، کار اسکینر بر اهمیت درک معنای ایده‌ها در زمینه‌های تاریخی و زبانی آنها تأکید می‌کند. او بر نیاز به تفسیر متنی و تحلیل متنی دقیق برای درک مقاصد و نکات ظریف متفکران سیاسی در طول تاریخ تأکید می‌کند.



شاید بتوان گفت اسکینر رویکرد خود را برای درک معنای متون در بافت تاریخی آنها مورد بحث قرار می‌دهد. او بر اهمیت درک مقاصد نویسنده و زمینه‌ای که اثر در آن نوشته شده است تأکید می‌کند و استدلال می‌کند که برای درک واقعی یک متن، باید زبان خاص، قراردادهای و هنجارهای اجتماعی آن زمان را در نظر گرفت. از این رویکرد اغلب به عنوان رویکرد «زمینه‌گرایانه» یا «تاریخی» به تاریخ ایده‌ها یاد می‌شود. با روش‌های دیگری که متون را در پرتو هنجارهای معاصر یا اصول جهانی تفسیر می‌کنند، در تضاد است (صص ۶۰-۱۰۹).

۲-۵ انگیزه‌ها، نیت‌ها و تفسیر

کوئنتین اسکینر در فصل پنجم «دیدگاه‌های سیاست» با عنوان «معنا و درک در تاریخ ایده‌ها» رویکرد خود را در تفسیر متون گذشته، به‌ویژه رساله‌های سیاسی، مورد بحث قرار می‌دهد. او استدلال می‌کند که درک معنای یک متن مستلزم درک زمینه تاریخی آن، از جمله انگیزه‌ها و مقاصد نویسنده است. اسکینر تأکید می‌کند که نویسندگان با اهداف یا مقاصد خاصی که اغلب بر اساس شرایط اجتماعی و سیاسی آنها شکل می‌گیرد، می‌نویسند؛ بنابراین، برای درک معنای یک متن، نه تنها باید کلمات تحت اللفظی آن را در نظر گرفت، بلکه باید به بافت وسیع‌تری که در آن نوشته شده است نیز توجه کرد. این شامل مفاهیم و ایده‌های در دسترس نویسنده در آن زمان و همچنین مخاطبانی است که آنها به آنها خطاب می‌کردند و راهبردهای بلاغی که آنها به کار می‌بردند. اسکینر به رویکردهای تفسیری که صرفاً بر خود متن تمرکز می‌کنند، بدون در نظر گرفتن بافت تاریخی، انتقاد می‌کند. او استدلال می‌کند که چنین روش‌هایی می‌توانند به خوانش‌های نابهنگام منجر شوند، جایی که مقوله‌ها و دغدغه‌های مدرن بر متن تحمیل می‌شوند. در عوض، او از روشی به نام «اصول خیریه و انسجام» دفاع می‌کند. بر اساس این اصول، مفسر باید با این فرض که نویسنده در استفاده از زبان و ایده‌ها منطقی و منسجم بوده است، هدفش معنا بخشیدن به متن باشد. این شامل بازسازی چارچوب مفهومی است که نویسنده در آن عمل کرده و از این چارچوب برای استنتاج معانی قطعات مبهم یا مبهم استفاده می‌کند. به طور کلی او بر اهمیت تشخیص احتمالی و تاریخی بودن همه متون، از جمله متون سیاسی، تأکید می‌کند. با در نظر گرفتن انگیزه‌ها، مقاصد و زمینه فرهنگی و فکری نویسنده که در آن نوشته‌اند، می‌توان به برداشت‌های دقیق و ظریف‌تری از اندیشه سیاسی رسید (صص ۱۶۰-۱۸۲).

۲-۶ تفسیر و درک کنش‌گفتاری

کوئنتین اسکینر در فصل ششم از «دیدگاه‌های سیاست» با عنوان «تفسیر و درک کنش‌های گفتاری»، بحث خود را در مورد زمینه و قصد خود در فصل ۵ بررسی می‌کند تا چگونگی شکل‌دهی آن عوامل به درک ما از کنش‌های گفتاری را بررسی کند. کنش‌گفتاری به هر سخنی اطلاق می‌شود که کارکرد خاصی را فراتر از انتقال صرف اطلاعات انجام می‌دهد، مانند قول دادن، صدور فرمان یا ابراز قدردانی به عقیده اسکینر، درک یک کنش گفتاری مستلزم آگاهی از چندین عنصر، از جمله مقاصد گوینده، قراردادهای حاکم بر نوع کنش گفتاری در حال انجام و انتظارات پیرامون موقعیتی است که کنش گفتاری در آن انجام می‌شود. به عنوان مثال، اگر کسی در پاسخ به اینکه دوستی به او پول قرض می‌دهد، بگوید به شما قول می‌دهم



که فردا پول را پس بدهم»، معنای مورد نظر واضح است زیرا هر دو طرف قراردادهای مرتبط با وعده دادن و انتظار بازپرداخت را درک می کنند. با این حال، اسکینر هنگام تفسیر کنش های گفتاری تاریخی اشاره می کند که ممکن است به دلیل تفاوت در کاربرد زبانی، هنجارهای فرهنگی و سایر عوامل زمینه ای، چالش هایی وجود داشته باشد. برای غلبه بر این چالش ها، او اتخاذ رویکردی هرمنوتیکی را توصیه می کند که شامل گفتگوی بین مفسر و متن است. هدف این است که با غوطه ور شدن در بافت تاریخی و فرهنگی که در آن زندگی می کردند، مفروضات و مقاصد اساسی سخنرانان اصلی را کشف کنیم. اسکینر همچنین بر نیاز به تمایز بین جنبه های گفتاری، گفتاری و گفتاری افعال گفتاری تأکید می کند. جنبه لغوی به محتوای تحت اللفظی بیان اشاره دارد؛ جنبه گفتاری به نیروی یا اثر مورد نظر اشاره دارد (مثلاً فرمان دادن، درخواست کردن، ادعا کردن)؛ و جنبه گفتاری به نتیجه یا تأثیر واقعی عبارت بر شنونده یا شنوندگان اشاره دارد. تمایز بین این سه بعد به ما این امکان را می دهد که پیچیدگی های اعمال گفتاری و راه های مختلف تفسیر آنها را بهتر درک کنیم. در مجموع، اسکینر نقش حیاتی زمینه و هدفمندی را در درک کنش های گفتاری برجسته می کند. با تجزیه و تحلیل دقیق قراردادهای مربوط به انواع مختلف کنش های گفتاری و غوطه ور شدن در زمینه تاریخی و فرهنگی مربوطه، می توانیم بینشی در مورد معانی و تأثیرات کنش های گفتاری در سیاست و سایر حوزه های فعالیت انسانی به دست آوریم. (صص ۱۸۲-۲۲۰).

۷-۲ معنای اجتماعی و تبیین عمل اجتماعی

کونتین اسکینر در فصل هفتم «دیدگاه های سیاست» با عنوان «معنای اجتماعی و تبیین کنش اجتماعی» بر رابطه بین اعمال اجتماعی و کنش های فردی تمرکز می کند. به طور خاص، او بررسی می کند که چگونه سیستم های معنایی مشترک افراد را قادر می سازد تا در تعاملات اجتماعی معنادار شرکت کنند و چگونه مورخان و دانشمندان علوم اجتماعی می توانند این اعمال را از طریق توجه دقیق به زمینه و انگیزه توضیح دهند. اسکینر با بحث درباره مفهوم معنای اجتماعی شروع می کند و استدلال می کند که بسیاری از اشکال رفتار اهمیت خود را از قواعد و قراردادهای به رسمیت شناخته شده می گیرند. این قراردادها «گرامر» زندگی اجتماعی را تشکیل می دهند و به مردم اجازه می دهند تا فعالیت های خود را هماهنگ کرده و به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند. با این حال، اسکینر نسبت به تقلیل پدیده های اجتماعی به بیان صرف ساختارها یا قوانین از پیش موجود هشدار می دهد. در عوض، او معتقد است که بازیگران به طور خلاقانه از این منابع استفاده می کنند، آنها را بر اساس نیازها و علایق خود اصلاح و گسترش می دهند.

برای نشان دادن این نکته، اسکینر مفهوم جی.ال.آستین را از جملات اجراآمیز بررسی می کند - کنش های گفتاری که تغییری در جهان به واسطه گفتار ایجاد می کنند. اسکینر پیشنهاد می کند که نمایشگرها بینشی را نسبت به بعد خلاقانه تمرین اجتماعی فراهم می کنند، زیرا آنها شامل ابداع کاربردهای جدید برای قراردادهای موجود می شوند. علاوه بر این، با تمرکز بر ویژگی های عمل گرایانه کنش های گفتاری، مورخان و دانشمندان علوم اجتماعی می توانند انتخاب های راهبردی را که توسط عواملی که در محیط های سازمانی خاص عمل می کنند، روشن کنند. اسکینر سپس به مسئله تبیین کنش اجتماعی می پردازد و بر اهمیت شناسایی باورها، تمایلات و ارزش هایی که رفتار فردی را هدایت می کنند، تأکید می کند. در اینجا، او از کار آنتونی گیدنز و پیر بوردیو استفاده می کند که استدلال می کنند که عاملیت و ساختار به جای مخالفت، متقابل را تقویت می کنند. از این منظر، افراد انتخاب و خلاقیت را در محدوده های تعیین شده توسط نهادها و روابط قدرت اعمال می کنند، در حالی که به طور همزمان همان محدودیت ها را بازتولید یا تغییر می دهند. در نهایت، اسکینر به برخی ایرادات رایج نسبت



به این ایده که کنش های اجتماعی را می توان به طور علّی توضیح داد، می پردازد، مانند این اتهام که چنین تبیین هایی کنشگران را به اشیاء منفعل که توسط نیروهای خارجی دستکاری می شوند، تقلیل می دهند. در مقابل این دیدگاه، اسکینر معتقد است که نسبت دادن حالت های انگیزشی به عوامل برای ارائه گزارش های کافی از پدیده های اجتماعی ضروری است. علاوه بر این، او اصرار دارد که اذعان به تأثیر عوامل ساختاری بر رفتار فردی نیازی به انکار ظرفیت عوامل برای استدلال، انتخاب و مقاومت ندارد؛ بنابراین اسکینر بر ارزش ترکیب تأکید بر معنای مشترک و قرارداد با شناخت عاملیت و خلاقیت فردی به منظور توسعه گزارش های غنی تر و ظریف تر از کنش اجتماعی تأکید می کند (صص ۲۲۰-۲۴۶).

۲-۸ اصول اخلاقی و تغییر اجتماعی

کونتین اسکینر در فصل هشتم «دیدگاه های سیاست» با عنوان «اصول اخلاقی و تغییرات اجتماعی» به پرسش هایی درباره نقش اصول اخلاقی در شکل دهی تحولات اجتماعی و سیاسی می پردازد. اسکینر با تکیه بر نمونه هایی از تاریخ اروپای مدرن اولیه نشان می دهد که چگونه توسل به آرمان های اخلاقی به عنوان کاتالیزور برای تغییرات قابل توجه در نگرش ها و عملکردهای اجتماعی عمل کرده است. در ابتدا، اسکینر بین دو شیوه استدلال متمایز که برای توجیه ادعاهای عدالت و اخلاق استفاده می شود، تمایز قائل می شود: عقل گرایی و قراردادگرایی. استدلال های عقل گراییانه معتقدند که برخی از اصول اخلاقی را می توان به طور منطقی یا از اصول اولیه استنباط کرد، در حالی که استدلال های متعارف معتقدند که قضاوت های اخلاقی از هنجارها و آداب و رسوم ساخته شده اجتماعی ناشی می شوند. در حالی که هر دو رویکرد نقش برجسته ای در بحث های مربوط به اصلاحات اجتماعی ایفا کرده اند، اسکینر اساساً بر روی اولی تمرکز می کند و بررسی می کند که چگونه طرفداران تغییر بنیادی از اصول اخلاقی انتزاعی برای به چالش کشیدن نظم های مستقر استفاده می کنند. یکی از راهبردهای کلیدی که اسکینر شناسایی کرده است، استفاده از زبان های اخلاقی به ظاهر جهانی - مانند قانون طبیعی یا مشیت الهی - برای پیشبرد نقدهای بدیع از ترتیبات موجود است. اصلاح طلبان با توسل به استانداردهای ظاهراً عینی قابل اجرا در مکان و زمان، می توانند ادعای مشروعیت پیشنهاد های خود را حتی در زمانی که مقامات سنتی را به چالش می کشند، داشته باشند. با این حال، همانطور که اسکینر مشاهده می کند، چنین تاکتیک هایی اغلب شامل تفسیر مجدد اصطلاحات و مفاهیم آشنا برای مطابقت با دیدگاه های نوظهور می شود و در نتیجه دیدگاه های نوآورانه ای از سازمان اجتماعی و سیاسی ایجاد می کند.

یکی دیگر از ویژگی های مهم گفتمان اخلاقی که توسط اسکینر برجسته شده است، پتانسیل آن برای تقویت همبستگی میان گروه های مختلف است که حول تعهدات مشترک به برابری و انصاف متحد شده اند. اصلاح طلبان از طریق استناد به اصول اخلاقی متعالی به دنبال پل زدن شکاف هایی بودند که ریشه در وابستگی مذهبی، تمایزات طبقاتی یا هویت های منطقه ای داشت و ائتلاف های گسترده ای ایجاد کردند که قادر به مقاومت مؤثر در برابر قدرت های ریشه دار بودند. در عین حال، اسکینر اذعان می کند که توسل به ایده آل سازی اخلاقی گاهی اوقات می تواند برای پنهان کردن منافع شخصی محدود عمل کند و نشان می دهد که بررسی دقیق انگیزه ها و پیامدها برای ارزیابی شایستگی تغییرات پیشنهادی حیاتی است. اسکینر با عطف به این سؤال که آیا اصول اخلاقی خود در طول دوره های تحولات دستخوش تغییر می شوند، اظهار می دارد که گذارهای عمیق اجتماعی و سیاسی اغلب باعث ارزیابی مجدد اصول اخلاقی پذیرفته شده قبلی می شوند. اصلاح طلبان ممکن است در مواجهه با واقعیت های جدید، خود را مجبور به تجدید نظر یا کنار گذاشتن اعتقادات ارزشمند ببینند که منجر



به ظهور پارادایم‌های اخلاقی جایگزین مناسب با شرایط تغییر یافته می‌شود. با این حال، اسکینر نسبت به تلقی این تحولات به عنوان اجتناب ناپذیر یا از پیش تعیین شده هشدار می‌دهد و در عوض بر نقش فعال بازیگران تاریخی در مذاکرات مسیرها به سوی آینده مطلوب تأکید می‌کند. به طور خلاصه، فصل ۸ بینش‌های ارزشمندی را در مورد پویایی استدلال اخلاقی و اقناع در میان فرآیندهای دگرگونی اجتماعی و سیاسی ارائه می‌دهد. اسکینر نشان می‌دهد که چگونه توسل به اصول انتزاعی می‌تواند به عنوان ابزار قدرتمندی برای به چالش کشیدن ارتدکس‌ها و بسیج کنش جمعی عمل کند، در حالی که خوانندگان را از پذیرش غیرانتقادی حقایق ظاهراً بی‌زمان بر حذر می‌دارد. در نهایت، تحلیل او بر اهمیت توجه دقیق به شیوه‌های گفتمانی به کار گرفته شده توسط بازیگران تاریخی که به دنبال بازسازی جهان‌هایی هستند که در آن زندگی می‌کنند، تأکید می‌کند (صص ۲۴۶-۲۶۸).

۲-۹ ایده واژه نامه فرهنگی

کونتین اسکینر در فصل نهم «دیدگاه‌های سیاست» با عنوان «ایده فرهنگ لغت» به امکان ساخت واژگانی جامع از مفاهیم کلیدی برگرفته از اندیشه سیاسی غرب می‌پردازد. او معتقد است که چنین پروژه‌ای درک عمیق‌تر از توسعه تاریخی ایده‌های سیاسی را تسهیل می‌کند و وضوح بیشتری را در مورد بحث‌های معاصر ترویج می‌کند. اسکینر پیشنهاد می‌کند که یک فرهنگ لغت فرهنگی باید شامل مدخل‌هایی باشد که جزئیات تکامل مفاهیم سیاسی مرکزی را در طول زمان، همراه با بحث در مورد کاربردها و مفاهیم مختلف آن‌ها شرح دهد. هر مدخل باید منشأ، انتشار و دگرگونی‌های اصطلاح مربوطه خود را روشن کند و بر پیکربندی‌های متغیر معنا که دوره‌های متوالی را مشخص می‌کند، روشن کند. علاوه بر این، فرهنگ لغت می‌کوشد تا تنوع صداهایی را که در شکل‌دهی به گفتمان‌های سیاسی در طول تاریخ دخیل هستند، به تصویر بکشد و در مقابل گرایش‌ها به سوی قانون‌گذاری یا تفسیر ممتاز مقاومت کنند.

از جمله مزایایی که اسکینر پیش‌بینی می‌کند ناشی از چنین منبعی است، ظرفیت‌های افزایش یافته برای تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای است که محققان را قادر می‌سازد الگوهای همگرایی و واگرایی را در سنت‌ها و مکان‌های جغرافیایی متفاوت ردیابی کنند. علاوه بر این، با قرار دادن مناقشات امروزی در مسیرهای طولانی‌تر بحث، کاربران ممکن است دیدگاه‌های تازه‌ای در مورد معضلات پایدار به دست آورند و به مشورت و تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر کمک کنند. در نهایت، اسکینر فرهنگ لغت فرهنگی را به عنوان پایه‌ای برای تحقیقات آتی پیش‌بینی می‌کند که کاوش مداوم ارتباطات و روابط بررسی نشده بین زمینه‌های مطالعاتی به ظاهر نامرتبط را تشویق می‌کند. علیرغم این مزیت‌های بالقوه، اسکینر چندین چالش ذاتی در انجام چنین تلاش گسترده‌ای را تصدیق می‌کند. از جمله این موارد، مقیاس بزرگ این کار است که نیاز به همکاری گسترده بین متخصصان رشته‌ها و زیرشاخه‌های متعدد دارد. نگرانی دیگر مربوط به مسائل مربوط به بازنمایی، حصول اطمینان از برخورد عادلانه با دیدگاه‌های نادیده گرفته شده یا به حاشیه رانده شده در کنار چهره‌ها و متون متعارف بیشتر است. در نهایت، اسکینر سوالاتی را در مورد تعادل مناسب بین تحلیل‌های همزمان و دیاکرونیک مطرح می‌کند و با تنش‌های بین گرفتن عکس‌های فوری از لحظات مجزا و به تصویر کشیدن روندهای در حال تحول در طول دوره‌های طولانی دست و پنجه نرم می‌کند. در نهایت، اسکینر از چشم انداز یک فرهنگ لغت فرهنگی به عنوان ابزاری ارزشمند برای پیشبرد تعامل علمی با تابلوی غنی از ایده‌های سیاسی بافته شده در سراسر سنت غربی دفاع می‌کند. اگرچه از موانع قابل توجهی که پیش روی



چنین پروژه ای قرار دارد آگاه است، اما نسبت به چشم انداز آن برای تقویت درک، ترویج گفتگو و الهام بخشیدن به تحقیقات بیشتر در مورد شبکه های پیچیده دلالت که میراث فکری مشترک ما را تشکیل می دهد، خوش بین است (صص ۲۶۸-۲۹۵).

۲-۱۰ بررسی فن سخنوری و تغییر مفهومی

کوئنتین اسکینر در فصل ۱۰ از "دیدگاه های سیاست" با عنوان "مطالعه سخنوری یا بلاغت و تغییر مفهومی" به ارتباط بین تکنیک های بلاغی و نوآوری مفهومی می پردازد و نقش محوری اقناع در شکل دادن به چارچوب های نظری و تأثیرگذاری بر نتایج سیاسی را برجسته می کند. او معتقد است که درک به کارگیری هنرمندانه زبان چیزهای زیادی در مورد فرآیند پویای شکل گیری مفهوم، انطباق و رقابت دارد.

اسکینر معتقد است که بلاغت هم به عنوان رسانه و هم به عنوان پیام عمل می کند و ایده های اساسی را منتقل می کند و در عین حال روایت های قانع کننده ای را شکل می دهد که برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان طراحی شده اند. با بررسی ابزارهای سبکی که توسط متفکران تأثیرگذار به کار می رود، محققان می توانند بینش هایی در مورد استراتژی های پشتوانه تلاش های موفق متقاعدسازی به دست آورند و از ماهیت تکرارشونده پیشرفت فکری قدردانی کنند. اسکینر تأکید می کند که مبتکران مفهومی اغلب واژگان موجود را برای تناسب با زمینه های جدید تطبیق می دهند، اصطلاحات آشنا را با مفاهیم بی سابقه آغشته می کنند و راه هایی را برای بسط یا اصلاح بعدی باز می کنند. علاوه بر این، اسکینر توجه خود را به محیط رقابتی جلب می کند که در آن بیشتر نبردهای مفهومی رخ می دهد که در آن جناح های رقیب برای تسلط با جمع آوری استدلال های متقن که توسط شواهد تجربی و توسل به اقتدار تقویت می شوند، رقابت می کنند. در میان این هیاهو، مفاهیم مستقر در گذشته در معرض تجدید نظر قرار می گیرند و دیدگاه های جدیدی را به وجود می آورند که در نهایت درک جمعی ما را غنی می کنند؛ بنابراین، مطالعه بلاغت، دسترسی به مکانیسم هایی را فراهم می کند که منجر به تغییر مفهومی می شود و نگاهی اجمالی به کار شناختی لازم برای غلبه بر بن بست ها و ایجاد پیشرفت ها ارائه می دهد. مرکز تحلیل اسکینر این فرض است که مهارت بلاغی به عنوان یک منبع اهرمی در درگیری های فکری عمل می کند و به افراد اجازه می دهد تا مواضع خود را مطرح کنند، انتقادات مخالفان را کنار بگذارند و از برنامه های مورد علاقه حمایت کنند. به این ترتیب، تسلط بر فن بلاغی برای پیمایش در زمین خائنه گفتمان سیاسی، فراهم کردن توانایی برای بیان دیدگاه های قانع کننده، تشخیص بیماری ها و پیشنهاد اقدامات اصلاحی به تمرین کنندگان تبدیل می شود. با ادغام بررسی دقیق ظرافت کلامی با ارزیابی دقیق مواد زیربنایی، دانشجویان بلاغت به طور قابل توجهی در رمزگشایی فراز و نشیب های نظریه سیاسی و پراکسیس کمک می کنند. در واقع، اسکینر نتیجه می گیرد که درک رقص دیالکتیکی بین متقاعدسازی و دگردیسی مفهومی، منطقه ای حاصلخیز برای تحقیقات پربار را نشان می دهد و برای محققینی که با مظاهر گوناگون زیرکی و نبوغ بلاغی هماهنگ هستند، سود به همراه دارد (صص ۲۹۵-۳۱۴).

۳. نقد کتاب

۳-۱ نقد شکلی



در ترجمه عنوان کتاب پیشنهاد می شود به جای بینش های علم سیاست در باب روش از ترجمه چشم اندازها یا دیدگاه های علم سیاست استفاده می شد. بجای دیدن امور آنگونه که هستند از دیدن اشیاء آنگونه که هستند استفاده می شد. در عنوان فصل دهم هم می شد بجای کلمه خطابه از کلمه بلاغت استفاده کرد. طرح روی جلد نسخه انگلیسی کتاب بینش های علم سیاست نسبت به نسخه فارسی بهتر و زیبا تر است اما تصاویر استفاده شده شبیه هم می باشد. با بررسی حروف چینی، صفحه آرای، مشکل خاصی دیده نمی شود.

۳-۲ نقد محتوایی

۱. این کتاب را ماهیت متراکم و به شدت نظری آن دانست. سبک نوشتاری اغلب سنگین و چالش برانگیز به نظر می رسد و درگیر شدن با ایده های او را برای برخی از خوانندگان دشوار می کند. این سبک نوشتار می تواند کتاب را برای خیلی از مخاطبان غیر قابل دسترس و تأثیر آن را محدود کند.

۲. با این که کتاب به دلیل رویکرد جامع آن مورد تحسین قرار گرفته اما برخی از منتقدان استدلال می کنند که تمرکز بر روش، بحث اساسی درباره ایده های سیاسی را کاهش می دهد. در حالی که کاوش او در مبانی روش شناختی نظریه سیاسی مهم است و برخی از خوانندگان ممکن است آن را بیش از حد انتزاعی و جدا از مسائل سیاسی مشخص بدانند. با این حال، سبک متراکم و تمرکز آن بر روش شناسی ممکن است دسترسی آن را برای مخاطبان وسیع تری محدود کند، در حالی که رویکرد جامع و تعامل انتقادی آن با سنت های روش شناختی مختلف، آن را به منبعی ارزشمند برای محققان و دانشجویان نظریه سیاسی تبدیل می کند.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

در این کتاب اسکینر رویکردهای مختلف برای مطالعه نظریه سیاسی و روش های به کار گرفته شده توسط محققان در این زمینه را بررسی می کند. اسکینر با بحث در مورد دو روش اصلی مورد استفاده در نظریه سیاسی شروع می کند: رویکرد زمینه ای و رویکرد مفهومی. رویکرد زمینه ای بر اهمیت بافت تاریخی تأکید می کند و هدف آن درک ایده های سیاسی در زمان و مکان خاص آنهاست. از سوی دیگر، رویکرد مفهومی بر تحلیل مفاهیم و نظریه های انتزاعی تمرکز می کند، با هدف کشف اصول جهانی که فراتر از زمینه های خاص است. اسکینر استدلال می کند که هر دو رویکرد دارای محاسن هستند اما محدودیت های خود را نیز دارند. او پیشنهاد می کند که یک راه ثمربخش به جلو، ترکیب این رویکردها، استفاده از روش زمینه ای برای درک توسعه تاریخی ایده های سیاسی و روش مفهومی برای شناسایی بینش های نظری پایدار است. علاوه بر این، اسکینر اهمیت تفسیر در نظریه سیاسی را برجسته می کند. او تأکید می کند که فهم متون سیاسی نیازمند تفسیر و زمینه سازی دقیق است، زیرا معنای این متون را می توان بر اساس نیت نویسندگان و شرایط تاریخی که در آن نوشته شده اند، شکل داد. به طور کلی، «درباره روش» اسکینر محققان را تشویق می کند که به نظریه سیاسی با درک دقیقی از بافت تاریخی و مفاهیم انتزاعی نزدیک شوند. با آمیختن این رویکردها و درگیر شدن در تفسیر متفکرانه، محققان می توانند درک عمیق تری از ایده های سیاسی و اهمیت آنها به دست آورند.



۵. منابع

- کوئنتین، اسکینر (۱۳۹۳) *بینش های علم سیاست در باب روش*، ترجمه فریبرز مجیدی تهران: نشر فرهنگ جاوید.
- اشمیت، کارل (۱۳۹۲) *مفهوم/امر سیاسی ترجمه سهیل صفاری تهران: نشر نگاه معاصر*
- مرتضوی، سید خدایار (۱۳۸۶). *تبیین روش شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوئنتین/اسکینر*، پژوهشنامه علوم سیاسی سال سوم، شماره اول زمستان، صص: ۱۵۹-۱۹۱
- نظری، علی اشرف (۱۳۹۵). *واقع گرایی سیاسی در آینه سیاست نامه نویسی بازخوانی اندیشه سیاسی ماکیاوول و خواجه نظام الملک طوسی*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۳۰۴، تابستان: ۸۲-۹۳
- نظری، علی اشرف (۱۳۹۹). *نقد و بررسی کتاب درک بینش های روش شناختی در علم سیاست*، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال بیستم، ش نهم آذر ۹۹، ص ۳۷۷-۳۵۹